

رسالة



# جریان شناسی تفسیر قرآن گرا

حجت الاسلام دکتر محمد اسعدی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۷

اسعدی، محمد، ۱۳۵۰ -  
جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا / محمد اسعدی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.  
سبزه، ۱۷۷ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۴۵: قرآن‌پژوهی؛ ۴۸)  
بها: ۱۴۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه، ص. [۱۶۱] - ۱۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. تفسیر قرآن با قرآن. ۲. \*Koran -- Commentaries by the Koran. ۳. تفاسیر فقهی -- نقد و تفسیر.  
۴. Qur'an -- Legislative hermeneutics -- Criticism and interpretation. ۵. تفاسیر -- تاریخ و نقد.  
۶. Qur'an -- Commentaries -- History and criticism. ۷. قرآن -- تحقیق. ۸. Qur'an -- Research. ۹. قرآن‌پژوهان -- سرگذشت‌نامه و کتابشناسی. ۱۰. Qur'anic scholars -- Bio-bibliography. ۱۱. مجتهدان و علما -- دیدگاه درباره قرآن. ۱۲. Ulama -- Views on the Qur'an. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
BP۹۱/۵/الف/۴۷۴۱۳۹۷ ۲۹۷/۱۷۱  
شماره کتابشناسی ملی  
۵۱۶۷۴۲۱



## جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

عنوان طرح

**جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا**

این کتاب در ذیل طرح کلان ملی تقد و بررسی جریان‌های تفسیری قرآن کریم در سیزدهمین جلسه

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۴ به تصویب رسیده است.



## سخن نخست

در جهان امروز، پیشرفت و توسعه بر مبنای علم و فناوری استوار شده و پژوهش از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید و توفیق پایدار در این زمینه‌ها در صورتی محقق می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان، توجه مناسبی به امر پژوهش و توسعه بر مبنای علم و فناوری صورت پذیرد.

در این میان اما حوزه علوم انسانی به دلیل نقش کلیدی و تأثیرگذار آن در زیرساخت‌های فکری فرهنگی جامعه اهمیتی درخور دارد؛ این اهمیت در نظام متکی بر اندیشه اسلامی به دلیل غنا و عمق آموزه‌های دینی نسبت به نیازهای گوناگون انسانی مضاعف به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر قرآن کریم به مثابه کتاب هدایت الهی انسان و جامعه و منبع نخست معرفت دینی، همواره برای اندیشمندان دین‌باور و جستجوگر گنج‌نامه‌ای سرشار بوده و جریان‌های گونه‌گون تفسیری در جغرافیای عالم اسلام، هر یک از منظری به دنبال کشف و ارائه ابعاد هدایتی آن بوده‌اند. مجموعه این تجربه‌های تفسیری به‌رغم اختلافات، امروزه به مثابه رنگین‌کمانی ارزشمند از شیوه‌های فهم و شناخت ابعاد هدایت قرآنی رخ می‌نماید. شکی نیست که در پاسخ به نیازها و پرسش‌های عصری و به دلیل ماهیت فزاینده معرفت و هدایت قرآنی، می‌توان و باید مستند به منطق اجتهادی و قابل دفاع تفسیر، تجربه‌های گذشته را بازخوانی کرد. طبعاً تفسیر ضابطه‌مند قرآن کریم نرم‌افزاری ارزنده برای تولید علوم انسانی اسلامی خواهد بود.

در این راستا شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری پروژه های علمی خاصی را مورد حمایت قرار داده است که طرح کلان نقد و بررسی جریان های تفسیری با اجرای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از آن جمله بوده است. محصول این طرح اکنون پس از سال ها پژوهش از سوی جمعی از محققان قرآن پژوه به جامعه علمی تقدیم می شود که در اینجا از عموم دست اندرکاران تولید آن در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دیگر استادان ارجمند که در تألیف و ارزیابی آن نقش داشته اند، قدردانی می شود.

**دبیر کل شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری**



## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی در زمینه مکاتب و جریان‌های تفسیری برای دانشجویان رشته علوم قرآن و تفسیر در مقاطع تحصیلات تکمیلی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی و نیز از ارزیابان محترم اثر، حضرات آقایان حجت‌الاسلام دکتر علی فتوحی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی ایازی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی شورای عالی عتف به‌ویژه سروران معزز کمیسیون علوم انسانی، معارف اسلامی و هنر از این پروژه در قالب طرح کلان ملی نقد و بررسی جریان‌های تفسیری و نیز پیگیری‌های مجدانه مدیران محترم گروه قرآن‌پژوهی در طول سال‌های اخیر، حضرات آقایان دکتر محمدباقر سعیدی روشن، دکتر محمد اسعدی و دکتر سیدمحمد محمود طیب حسینی قدردانی می‌شود.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱. جریان تفسیری.....	۷
۱-۲. قرآن‌گروی و قرآن‌بستگی در تفسیر.....	۸
۱-۳. روش تفسیر اجتهادی به‌مثابه روش معیار.....	۱۰
۱-۴. روش تفسیر اجتهادی قرآن‌گرا و اصول آن.....	۱۵
۱-۴-۱. قلمرو خاص تفسیر نسبت به دیگر دانش‌های دینی قرآنی.....	۱۶
۱-۴-۲. محوریت قرآن در میان منابع معرفتی دین.....	۱۸
۱-۴-۳. سازگاری و همخوانی درونی آیات قرآن.....	۲۰
۱-۴-۴. مرجعیت قرآن نسبت به معرفت‌های انسانی.....	۲۱
۱-۴-۵. جستجوی آیات هم‌مضمون به لحاظ لفظی و معنایی.....	۲۱
۱-۴-۶. یافتن اصول کلیدی و کلی حاکم بر مفاهیم و معارف قرآن.....	۲۲
۱-۴-۷. اهتمام به قرائن سیاقی قرآنی.....	۲۳
۱-۴-۸. انسجام‌یابی آیات متناظر (محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، منسوخ و ناسخ).....	۲۴
۱-۴-۹. استفاده از راهکارهای توسعه‌ای و فراسیاقی.....	۲۵
۱-۴-۱۰. بررسی و ارزیابی منابع و معرفت‌های بیرونی با محوریت دلالت‌های قرآن.....	۲۷
جمع‌بندی فصل اول.....	۲۷

### فصل دوم: بررسی توصیفی جریان تفسیر قرآن‌گرا

۱-۲. ریشه‌ها و رویکردهای قرآن‌گروی در تفکر دینی.....	۲۹
۱-۲-۱. تلقی کلامی.....	۲۹
۱-۲-۲. تلقی تفسیری.....	۳۴

۳۶	..... ۲-۲. زمینه‌ها و شاخه‌های جریان تفسیری قرآن‌گرا
۴۲	..... ۲-۳. زمینه‌ها و نمونه‌های شاخه افراطی جریان تفسیری قرآن‌گرا
۴۳	..... ۲-۳-۱. شبه قاره هند
۴۴	..... زمینه‌ها
۴۶	..... نمونه‌ها
۴۷	..... ۲-۳-۲. سرزمین‌های عربی
۴۸	..... زمینه‌ها
۵۰	..... نمونه‌ها
۵۴	..... ۲-۳-۳. ایران
۵۵	..... زمینه‌ها
۶۰	..... نمونه‌ها
۶۴	..... جمع‌بندی فصل دوم

### فصل سوم: بررسی انتقادی جریان تفسیر قرآن‌گرا

۶۷	..... درآمد
۶۸	..... بررسی انتقادی از منظر مبنائی، روشی و غائی
۶۹	..... ۳-۱. نقد و بررسی مبنائی
۶۹	..... ۳-۱-۱. خودکفائی قرآن در فهم و تفسیر
۷۴	..... ۳-۱-۲. نفی نقش سنت و حدیث
۷۵	..... الف) دیدگاه‌های فروکاهشی و تقلیلی در مفهوم و شأن «سنت»
۷۶	..... دیدگاه اول
۷۶	..... دیدگاه دوم
۷۷	..... دیدگاه سوم
۷۸	..... دیدگاه چهارم
۸۰	..... دیدگاه پنجم
۸۱	..... نقد و بررسی
۸۱	..... نقد دیدگاه اول
۸۲	..... نقد دیدگاه دوم
۸۴	..... نقد دیدگاه سوم
۸۴	..... نکاتی چند درباره دیدگاه سوم
۸۷	..... نقد دیدگاه چهارم و پنجم
۹۰	..... ب) نگره عدم امکان دستیابی به سنت معتبر
۹۲	..... ج) نظریه ناروایی مراجعه به سنت
۹۲	..... بند اول: انکار عصمت و تقدس پیامبر ﷺ
۹۴	..... بند دوم: شرک‌آمیز شمردن حجیت سنت به‌مثابه حکم الله در کنار قرآن

بند سوم: ظنی بودن سندی سنت و ناهمسانی آن با آیات قطعی قرآن.....	۹۸
بند چهارم: نهی نبوی و امتناع صحابه از کتابت سنت.....	۱۰۰
بند پنجم: استقلال نداشتن سنت و ضرورت عرضه کردن آن به قرآن.....	۱۰۲
بند ششم: آفات سنت‌گرایی در حوزه فهم قرآن.....	۱۰۴
بند هفتم: آفات سنت‌گرایی در حوزه‌های اجتماعی.....	۱۰۵
۳-۱-۳. نادیده‌انگاری نقش عقل برهانی.....	۱۰۷
۳-۲. نقد و بررسی روشی.....	۱۱۱
۳-۲-۱. رأی‌گروی در استخراج تفصیل شرعی از قرآن.....	۱۱۲
۳-۲-۲. تأویل‌گروی عرفی در فهم معارف قرآن.....	۱۱۸
نقد تأویل‌گروی عرفی در معارف نظری و عملی.....	۱۱۹
الف) معارف نظری.....	۱۱۹
پشتوانه عقلی.....	۱۲۲
پشتوانه قرآنی.....	۱۲۲
نقد استدلالی به آیات.....	۱۲۳
ب) معارف عملی.....	۱۲۴
۳-۲-۳. نگرش افراطی به نقش عربی بودن زبان قرآن در تفسیر اصطلاحات شرعی.....	۱۲۷
۳-۲-۴. تحکیم روابط سیاقی بر سنت معتبر.....	۱۳۰
۳-۳. نقد و بررسی غایی.....	۱۳۳
۳-۳-۱. در حوزه تفسیری.....	۱۳۹
۳-۳-۲. در حوزه فکری فرهنگی.....	۱۴۱
الف) گرایش‌های سلفی وهابی.....	۱۴۱
ب) گرایش‌های تساهل‌گرایانه و پلورالیستی در حوزه ادیان و مذاهب.....	۱۴۷
ج) گرایش‌های تجربه‌گرایانه در مفاهیم متعالی.....	۱۵۰
د) گرایش‌های تأویلی انسان‌گرایانه در احکام و حدود شرعی.....	۱۵۱
ه) گرایش‌های تأویلی مارکسیستی.....	۱۵۲
۳-۳-۳. در حوزه سیاسی اجتماعی.....	۱۵۲
جمع‌بندی فصل سوم.....	۱۵۷
نتایج بررسی جریان.....	۱۵۹
<b>منابع و مأخذ</b> .....	۱۶۱

### نمایه‌ها

نمایه آیات.....	۱۷۱
نمایه روایات.....	۱۷۵
نمایه اشخاص.....	۱۷۶



## مقدمه

قرآن کریم به عنوان نخستین منبع معرفت دینی، گوهر گران بهای الهی است که برای گشودن آفاق هدایت به روی انسان و جامعه انسانی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شد و آن رسول ارجمند به مردم ابلاغ کرد. نخستین و اصلی ترین نوع مواجهه و بهره مندی از این کتاب الهی فهم و شناخت معانی و مقاصد آیات نورانی آن است که قرآن خود عموم مخاطبان را به آن دعوت فرموده است. در فهم و تفسیر قرآن نیز بی شک نخستین گام، شناخت دلالت های ظاهری آن است که این امر با بیگانگی مفسر از متن قرآن سازگار نیست. از این منظر، قرآن گرایی در حوزه تفسیر قرآن، با اهتمام به ظواهر و دلالت های خود این متن الهی، رویکردی ارجمند و شایسته دفاع در جریان تاریخی تفسیر قرآن به نظر می آید که تجربه های موفق آن برای مفسران و قرآن پژوهان روزگار ما دستمایه ای ارزنده است. با این حال، همچون دیگر جریان های علمی، این رویکرد کلی نیز در بستر تاریخی خود شاهد پیدایش شاخه هایی افراطی و اندیشه هایی آسیب زده بوده است که از آن با نام جریان قرآن بسندگی در تفسیر یاد می شود. ویژگی اصلی این شاخه های افراطی آن است که نقش دیگر منابع معرفت دینی را در سامان یافتن تفسیر و شناخت معارف قرآنی کم رنگ می بیند. طبعاً مرز میان شاخه های افراطی از شاخه های غیرافراطی چندان واضح نیست و بررسی آن نیازمند واکاوی ضوابط تفسیر قرآن گرا و میزان وفاداری شاخه های تفسیری این جریان به آن ضوابط از یک سو و مطالعه نتایج و ثمرات این شاخه های تفسیری در بستر تاریخی خود از سوی دیگر است.

از آنجا که در یک بررسی علمی و انتقادی باید میان شاخه های مختلف جریان تفکیک کرد، تحلیل ها و نقدهای شاخه افراطی در این نوشتار نیز در واقع گامی در جهت پاسداشت رویکرد استوار قرآن گرا با محوریت روش اجتهادی در تفسیر است.

امروزه اهمیت پرداختن به رویکرد قرآن‌گروی و جریان تفسیری قرآن‌گرا و شاخه افراطی آن با عنوان قرآن‌بسنده‌گی، از آن‌روی است که روزگار معاصر را عصر بازگشت به قرآن و اقبال روزافزون به منبع و حیانی معرفت دینی به منزله محور مشترک و مورد وفاق مذاهب اسلامی شمرده‌اند. جریان کلی قرآن‌گرا در عالم اسلام در دو سده اخیر در پی تجربه‌های تلخ سیاسی اجتماعی شکل گرفته که در جوامع اسلامی به‌ویژه در شبه قاره هند، سرزمین‌های عربی و ایران، قابل جست‌وجوست. اندیشمندان دینی در این راستا به دنبال یافتن راهکار احیای عزت و انسجام اسلامی و شوکت و عظمت از دست‌رفته مسلمانان پس از قرن‌ها اختلاف و شقاق در میان مذاهب اسلامی و سوء استفاده سیاسی و فرهنگی استعمارگران بوده‌اند. آنان از یک‌سو کوتاهی‌های عالمان سنتی را می‌دیدند که محور اصلی معرفت دینی، یعنی قرآن را تحت‌الشعاع آموزه‌های حدیثی و آرای کهن ساخته و قرآن را در عمل از صحنه حیات علمی و عملی مسلمانان دور کرده بودند؛ از سوی دیگر، با جماعتی از اصحاب فکر و فرهنگ مواجه بودند که با حسن ظن افراطی به تجربه‌های جهان غرب، در صدد پیاده‌سازی الگوهای فرهنگی غرب در جوامع اسلامی بوده و عملاً فرهنگ اسلامی و مفاهیم اجتماعی آن و از جمله قرآن را به حاشیه می‌راندند. برداشت این اندیشمندان آن بود که منشأ اصلی اختلاف‌ها و عقب‌ماندگی‌ها، سنت‌گرایی و محوریت روایات و برداشت‌های بیرونی از متن قرآن بوده و راهکار معرفتی و نظری حل مشکلات گذشته، محور قرار گرفتن منبع مشترک میان مذاهب اسلامی، یعنی قرآن در معرفت دینی و نادیده‌انگاشتن سنت و برداشت‌های تفسیری بیرونی است.

جریان کلی قرآن‌گرا با این دغدغه و اندیشه، رویکرد تفسیری ویژه‌ای را دنبال کرد و ادبیات خاصی را وارد فضای فرهنگ دینی ساخت که در چالش جدی با دیگر رویکردها قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup> بررسی اتقان و استواری درونی آرا و اندیشه‌های این جریان از یک‌سو و کارآمدی آن در حل مشکلات و مسائل عصر و دغدغه‌های اصحاب آن از سوی دیگر دو موضوع مهمی هستند که برای پژوهشگران دینی مطرح بوده‌اند. در این میان، پاره‌ای از بررسی‌های گذشته از پایگاه خاص فرقه‌ای، به‌ویژه رویکرد سلفی صورت گرفته و نوعی بازگشت به گذشته و وفاداری به روش‌های پیشین و تن دادن به مشکلات و مسائل آن به شمار می‌آید و دغدغه‌های جدی اصحاب این جریان را بی‌پاسخ می‌گذارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد باید با تفکیک شاخه‌های

۱. در این باره ر.ک: خان‌محمدی، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، فصل دوم.



افراطی جریان از شاخه‌های اعتدالی آن در جستجوی راهکاری برای بررسی و نقد منصفانه این جریان و ارائه نظریه تفسیری استواری بود که پاسخگوی مناسبی به پرسش‌ها و دغدغه‌های موجود باشد.

به نظر می‌رسد رویکردی که می‌تواند محور و پایه استواری برای حرکت پویای تفسیر قرآن و قوام معرفت دینی باشد، به لحاظ روشی همان روش تفسیر اجتهادی و مهندسی مناسب مؤلفه‌ها و منابع تفسیر در خدمت معرفت دینی است. بی‌تردید در این روش سهم قرآن و دلالت‌های قرآنی به مثابه ثقل اکبر در اندیشه دینی، در رتبه و جایگاه نخست بوده و دیگر منابع در نسبت و رابطه سازگاری که با قرآن دارند به امر تفسیر و شناخت‌های قرآنی و دینی مدد می‌رسانند. نوشتار حاضر بر این پایه و از منظر تفسیر اجتهادی به بررسی و نقد جریان قرآن‌بسندگی در تفسیر می‌پردازد و در خلال آن بر نوع و ظرفیت حضور این جریان در نظریه‌پردازی قرآنی در مسائل اجتماعی (دغدغه مورد اعتنای غالب اصحاب این جریان) توجه می‌کند.

موضوع کتاب حاضر با رویکردی بیشتر انتقادی پیش از این در آثاری چند تا حدودی مورد توجه قرار گرفته که اشاره‌ای به آنها مفید است. برخی از این آثار به نوعی با جریان کلی قرآن‌گرا ارتباط دارند و برخی نیز به شاخه‌های تفسیری این جریان. در دسته نخست، عمده آثار به دفاع از سنت و روایات و نقش آنها در شناخت دین در برابر جریان سنت‌ستیز و قرآن‌گرا پرداخته‌اند، از جمله:

السنة و مکانتها فی التشريع الاسلامی، اثر مصطفی سباعی؛ دراسات فی الحدیث النبوی، اثر محمد مصطفی أعظمی؛ القرآن‌يون و شبهاتهم حول السنة، اثر خادم حسین الهی بخش؛ شبهات القرآن‌یین حول السنة النبویه، اثر محمود محمد مزروعه؛ السنة المفتری علیها، اثر سالم بهنساوی؛ السنة قبل التدوین، اثر محمد عجاج خطیب؛ القرآن‌يون، اثر علی محمد زینو؛ السنة النبویه المطهرة، اثر محمد علی صابونی؛ حجیة السنة، اثر عبدالغنی عبدالخالق؛ السنة مع القرآن، اثر سیداحمد رمضان مسیر؛ دفاع عن السنة و رد شبه المستشرقین و الکتاب المعاصرین، اثر محمد محمد ابوشهبه.

از دسته دوم نیز که به بررسی و نقد شاخه‌های تفسیری این جریان پرداخته‌اند، می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، اثر فهد رومی؛ أسباب الخطأ فی التفسیر، اثر محمود محمد یعقوب طاهر؛ مکاتب تفسیری، ج ۲، اثر علی اکبر بابایی؛ رابطه متقابل کتاب و

سنت، اثر علی نصیری؛ آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ج ۱، اثر محمد اسعدی و همکاران؛ جریان‌شناسی قرآن‌پسندگی در تفسیر، اثر محمد ابراهیم روشن ضمیر.<sup>۱</sup>

آثار یادشده در اصل دغدغه بررسی و نقد آرای قرآن‌گرایانه، با کتاب پیش رو حاضر اشتراک دارند. اما به نظر می‌رسد نکاتی چند مایه تمایز این اثر است:

**نکته اول**، آنکه در این اثر موضوع اصلی شاخه‌های تفسیری جریان قرآن‌گرا هستند و شاخه‌های عام جریان که از قرآن‌گروی تلقی کلامی دارند، از شاخه‌های تفسیری تفکیک می‌شوند. به نظر می‌رسد مشکل برخی آثار یادشده خلط میان تلقی کلامی و تلقی تفسیری در توصیف و تحلیل و بررسی جریان بوده است؛

**دومین نکته**، آنکه برخلاف برخی آثار یادشده که با رویکردی سنت‌گرایانه به نقد جریان قرآن‌گرا پرداخته‌اند، یا تنها به نقد شاخه‌های افراطی جریان معطوف‌اند، در این اثر به کلیت جریان قرآن‌گرا به دیده تکریم نگاه شده و سعی بر این است که با تفکیک شاخه‌های افراطی از غیرافراطی، بر نگرشی ایجابی در کنار نگرش سلبی و انتقادی توجه شود؛

**سومین نکته**، آنکه برخلاف بیشتر آثاری که آرای قرآن‌گرایان را بر مبنای اندیشه‌های سلفی اهل سنت نقد کرده‌اند، این اثر، آموزه‌های قرآنی مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را بر مبنای روش اجتهادی در تفسیر، معیار تحقیق خویش قرار داده است؛

**چهارمین نکته**، آنکه این اثر قرآن‌گروی و قرآن‌پسندگی را به‌مثابه جریانی تفسیری و نه صرفاً روش و مکتب تفسیری تلقی کرده و در جستجوی پیشینه‌ها، گونه‌ها و فراز و فرودهای آن است و نقد و بررسی‌ها را نیز در همین بستر دنبال می‌کند. در واقع، آنگاه که با نگاه غیرتاریخی و صرفاً ناظر به ویژگی‌های روشی غالب بر آثار و اندیشه‌های قرآن‌گرایان نگریسته می‌شود، «مکتب قرآن‌گرا» اطلاق می‌شود، اما آنچه نگاه این اثر را به این رویکرد به‌عنوان «جریان تفسیری» متمایز می‌سازد، نگرشی است که افزون بر بعد روشی، به سیر تاریخی این رویکرد در بستر اندیشه‌های تفسیری و فراز و فرودهای آن معطوف است. از این رو، جریان تفسیری در این اصطلاح اعم از مکتب تفسیری دیده می‌شود؛

---

۱. در میان پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهی عناوین ذیل در دسترس نویسنده قرار گرفته‌اند: نقد و بررسی قرآن‌پسندگی در تفسیر، از جعفر یاسمی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ۱۳۸۹ش؛ نقد و بررسی مکتب تفسیری قرآنیون با تأکید بر آرای غلام احمد پرویز، از سیدنعیم الحسن النقوی، جامعه المصطفی‌العالمیه، ۱۳۹۱ش؛ تحلیل و نقد نظریه قرآن‌پسندگی در نگاه برخی اندیشمندان معاصر ایران، از فریدون محمدی فام، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ش.

**پنجمین نکته** تمایز این اثر از دیگر آثار مشابه، ساختار ویژه آن در تفکیک بررسی‌های توصیفی از بررسی‌های انتقادی از یک‌سو و تفکیک نقد و بررسی‌ها در سه محور مبنایی، روشی و غائی از سوی دیگر است که در جریان‌شناسی، ساختاری قابل دفاع دیده می‌شود.

پیشتر تجربه تدوین کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری در دو جلد در گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری عالمانه جمعی از قرآن‌پژوهان حوزه و دانشگاه با استقبال نسبی فرهیختگان جامعه علمی قرآنی مواجه شد و در دوره‌های مختلف تحصیلات تکمیلی در جایگاه منبع اصلی آموزشی نشست و محور نشست‌های علمی متعددی قرار گرفت؛ با این حال، به دلیل اهمیت موضوع و ضرورت توسعه قلمرو بحث و اصلاح و تکمیل مطالعات گذشته، با نظر مساعد شورای علمی گروه قرآن‌پژوهی و حمایت شورای عالی عتف در قالب طرح‌های کلان ملی، طرح تدوین آثاری با محوریت نقد و بررسی هر یک از جریان‌های تفسیری به صورت تک‌نگاشت در دستور کار قرار گرفت که کتاب پیش رو، در همین راستا، جریان تفسیر قرآن‌گرا را به بررسی و نقد می‌گذارد. ویژگی‌های کتاب حاضر نسبت به کتاب گذشته بدین قرارند:

– اختصاص فصلی مستقل به مباحث کلیات و مفاهیم؛

– بازنگری مباحث گذشته و اصلاح و تکمیل آنها در ساختاری جدید؛

– تقویت نگاه ایجابی و مثبت به جریان تفسیری و آثار و اندیشه‌های آنها در کنار نقد، برای

معرفی مدل مطلوب از روش تفسیری سازگار با دغدغه‌های اصلی این جریان، یا گزینش شاخه

مثبت و قابل دفاع از میان شاخه‌های جریان؛

– توسعه مطالعات مربوط به شاخه‌های معاصر جریان.

ساختار اصلی این کتاب از سه فصل تشکیل یافته است؛ فصل نخست، با عنوان کلیات و مفاهیم به شرح مفاهیم اصلی کتاب و مباحث کلی مربوط به این پژوهش می‌پردازد؛ فصل دوم، با عنوان بررسی توصیفی به شناخت جریان، از پیشینه‌ها و رویکردهای جریان کلی قرآن‌گرا تا زمینه‌ها و شاخه‌های رویکرد تفسیری قرآن‌گرا و در نهایت زمینه‌ها و نمونه‌های شاخه افراطی این رویکرد تفسیری اختصاص یافته است؛ در فصل سوم نیز در جهت پاسداشت رویکرد اعتدالی و قابل دفاع قرآن‌گرا، به نقد و بررسی مهم‌ترین دیدگاه‌های شاخه افراطی جریان با تأکید بر سه حوزه مبنایی، روشی و غائی پرداخته شده و به مناسبت بحث و بررسی‌های غائی، بر نوع و نسبت حضور این جریان در تحولات علمی و اجتماعی زمانه تأمل می‌شود. در پایان نیز نتایج بحث با اشاره به موارد منفی و مثبت اندیشه‌های جریان و تأکید بر شاخه مثبت و قابل دفاع آن خواهد آمد.

در تهیه این اثر سرورانی از جامعه علمی کشور، به‌ویژه اعضای مکرم هیئت علمی و شورای علمی گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و کارشناس محترم گروه جناب حجت‌الاسلام محسن یوسفی به صورت مستقیم، یا غیرمستقیم نقش ایفا کرده‌اند که از همه آنها سپاسگزاری می‌شود. به‌طور ویژه، نقش محقق گرانقدر جناب حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن که در زمان تصدی ریاست پژوهشگاه و مدیریت گروه از این طرح حمایت جدی داشته‌اند، شایسته قدردانی است. همچنین استادان گرامی حجت‌الاسلام دکتر علی فتحی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی ایازی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد در ارزیابی محتوای اثر و اشارات راهبردی به نویسنده نقش داشته‌اند که شایسته سپاس‌اند.

ملاحظات انتقادی برخی عزیزان دیگر نیز که به نویسنده رسیده در اینجا شایسته تقدیر است. از جمله حجت‌الاسلام دکتر محمدرضا امین، برای گزارش انتقادی بخش ششم کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری در سلسله نشست‌های علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز جناب آقای دکتر سیدهدایت جلیلی به دلیل نقد کلی‌ای که بر طرح آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری نگاشته‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱. ر.ک: جلیلی، «نقدی بر کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری»، آینه پژوهش ۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰ش.

## فصل اول

### مفاهیم و کلیات

این فصل به‌عنوان درآمدی بر مباحث اصلی کتاب، مشتمل بر شرح مفاهیم کلیدی و مباحثی مرتبط با اصول نظری و عملی روش اجتهادی به مثابه روش معیار و مطلوب در تفسیر قرآن است.

#### ۱-۱. جریان تفسیری

در ادبیات علوم قرآنی و تفسیری به زبان عربی مفاهیمی چون مناہج، اتجاهات، مذاهب، مدارس و الوان، برای گزارش اندیشه‌ها و گروه‌های مشخصی از اندیشمندان حوزه تفسیر به کار می‌رود. البته در معنای دقیق هر یک از این مفاهیم و وجه تمایز آنها با هم چندان اتفاق نظر دیده نمی‌شود و معمولاً نویسندگان به تبیین و توضیح خود تکیه می‌کنند.<sup>۱</sup> این مسئله در زبان فارسی نیز که امروزه دامنه وسیعی از پژوهش‌های قرآنی را دربر می‌گیرد، مطرح است؛ مفاهیمی چون روش‌ها، گرایش‌ها، مکاتب، رویکردها، سبک‌ها و جریان‌های تفسیری در این‌باره درخور توجه‌اند.<sup>۲</sup> طبعاً انتخاب مفهوم جریان‌های تفسیری در قبال دیگر مفاهیم در این اثر نیازمند توضیح و توجیه است.

به نظر می‌رسد در اصطلاح زبان فارسی دو مفهوم روش و گرایش تفسیری را می‌توان مفاهیم کلیدی در بحث یادشده تلقی کرد و بر دیگر مفاهیم، در ارتباط با آنها توجه داشت. همچنین در اصطلاح زبان عربی مفهوم «منهج» معادل روش و مفهوم «اتجاه» معادل گرایش تلقی می‌شود.

---

۱. در این‌باره ر.ک: شریف، اتجاهات التجدید، ص ۶۷؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۳؛ طیب حسینی، تفسیر/گرایش‌ها و روش‌های تفسیر، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۳۶.  
۲. ر.ک: شاکر، «ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن»، مقالات و بررسی‌ها، دوره ۷۲، ش پیاپی ۹۶۳، دی ۱۳۸۱.

روش تفسیری ناظر به چگونگی تفسیر کردن قرآن و خط مشی مفسر در تفسیر است. از این‌رو، مبانی و قواعد و اصول فهم و تفسیر، ملاک شناخت روش تفسیری است، اما گرایش تفسیری بیانگر علاقه‌های فکری و شخصیتی مفسر است که اهتمام او را به قلمرو خاصی از آموزه‌های قرآنی یا روش ویژه‌ای از روش‌های تفسیری سوق داده است.

اما «جریان تفسیری» در این اثر به معنای حرکت و روند علمی اجتماعی با مجموعه‌ای از آثار و شخصیت‌های تفسیری با روش یا گرایش خاصی است که در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های قابل تحقیق، به صورتی اثرگذار در حوزه اندیشه‌های دینی قرآنی تبدیل شده است. اما تحلیل جریان تفسیری از این حیث که آیا به روش تفسیری خاصی مربوط است یا در حد گرایش تفسیری تعریف شده و فاقد روش معین و خاصی متمایز از دیگر جریان‌هاست، در بحث حاضر متکی به تحلیل علمی ما از قرآن‌گروی است و بسته به تعریفی که ما از قرآن‌گروی در تفسیر داشته باشیم، می‌توانیم آن را به یک روش یا گرایش تفسیری ناظر بدانیم.

همچنین این نکته دارای اهمیت است که روش تحقیق در یک جریان تفسیری با روش تحقیق در یک روش و مکتب تفسیری به معنای بسیط آن، تفاوت‌های جدی دارد. تحقیق در جریان تفسیری به مثابه یک جریان نظام‌مند تاریخی در حوزه فهم و تبیین قرآن، نیازمند توجه به مؤلفه‌های مختلف هر جریان و گونه‌ها و نقش و نسبت‌های آن با دیگر جریان‌های دینی و تاریخی است. از این‌رو، افزون بر نیاز این تحقیق به منابع و روش‌های علمی مربوط به حوزه تفسیر قرآن و زبان‌شناسی و معناشناسی آن، منابع و روش‌های تاریخی نیز نیازمند بررسی است. اما واژه تفسیر در اینجا و در مقام توصیف و جریان‌شناسی، به معنای کلی پرده‌برداری و رمزگشایی از آیات قرآن بوده و معنایی عام دربر دارد که شامل جریان‌های تفسیر ظاهری و تفسیر باطنی قرآن می‌شود؛ گو اینکه در نقد و بررسی جریان‌های مدعی تفسیر قرآن و در مقام توصیه، از تعریف خاصی از آن دفاع خواهد شد.

## ۱-۲. قرآن‌گروی و قرآن‌بستگی در تفسیر

قرآن‌گروی به معنای اهتمام و گرایش به قرآن در نگاه نخست، حرکتی شایسته و بایسته در معرفت دینی است که در اهمیت جایگاه قرآن به عنوان ثقل اکبر در میراث ارزشمند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ریشه دارد. بی‌شک در حوزه تفسیر نیز این جایگاه انکارناپذیر است و بسیاری از مفسران فریقین در سطوح مختلف به این جایگاه توجه داشته‌اند که می‌توان آنان را در ذیل

شاخه‌های اعتدالی تفسیر قرآن‌گرا برشمرد. اما آنچه در نقد و بررسی جریان تفسیری قرآن‌بسندگی اهمیتی ویژه دارد، رویکردی است که در کنار دیگر رویکردها و جریان‌های تفسیری براساس مبانی و اصول خاصی، فهم و تفسیر قرآن را با تکیه بر دلالت‌های خود قرآن، بدون اهتمام به دیگر منابع دنبال کرده است. بر پایه این توضیح کوتاه، می‌توان برای شناخت مفهوم قرآن‌بسندگی در عرف قرآن‌پژوهان و مفسران، بر دو ویژگی ایجابی و سلبی ذیل توجه کرد: ویژگی نخست، اهتمام و تأکید بر دلالت‌های قرآنی به معنای قرائن و نشانه‌های لفظی و معنایی و سیاقی آیات در مقام تفسیر است و دومین ویژگی، وابسته ندیدن فهم و تفسیر به منابع بیرونی و تمرکز بر خود قرآن به‌عنوان تنها منبع، یا منبع محوری و اصلی در تفسیر (بسته به تفاوت دیدگاه‌ها) است.

اما از منظر تفکیک میان روش و گرایش تفسیری در این جریان، پیرو تمایزی که در بحث اخیر میان این دو مفهوم گذشت، ذکر این نکته شایسته است که این جریان تفسیری نیز مانند جریان تفسیر روایی، هم به لحاظ روشی و هم گرایشی، قابل مطالعه است. روش قرآن‌بسندگی در تفسیر، از آن رو صادق است که مفسران این جریان به لحاظ مبنایی به استقلال معنایی قرآن باور داشته و دلالت‌های قرآنی را به‌عنوان منبع اصلی یا تنها منبع تفسیر در نظر دارند و طبعاً در مقام عمل و روش تفسیری خود آنها را به کار گرفته و به قواعد و اقتضاهای آن وفادار هستند. اما اگر تفسیر قرآن‌گرایانه تنها در حد تعلق خاطر و اهتمام ویژه مفسر به این نوع تفسیر باشد، بی‌آنکه به نظریه و مبنای تفسیری خاصی در نقش انحصاری دلالت‌های قرآنی در تفسیر پای‌بند باشد، می‌توان از آن به گرایش تفسیری یاد کرد؛ گو اینکه وجود شاخه‌ای از این جریان با عنوان قرآن‌بسندگی که قرآن‌گروی را تنها در حد گرایش و رویکرد تفسیری منهای اتکا به نظریه تفسیری خاص قرآن‌گرایانه دنبال کرده باشد، با ابهام و تردید همراه است.

گرایش تفسیری اما در میان قرآن‌گرایان از منظری دیگر نیز شایسته تحلیل است؛ معمولاً قرآن‌گرایان گرایش خاص فکری نیز داشته و تفسیرهای آنان با جهت‌گیری‌های ویژه‌ای متناسب با تعلقات فکری و مذهبی ایشان عرضه شده و برای نمونه، با صبغه کلامی یا تربیتی یا ادبی دیده می‌شود. گرایش تفسیری قرآن‌گرایان به معنای اخیر در واقع ربط و نسبت جریان قرآن‌گرایی را با دیگر جریان‌های تفسیری و فکری نیز نشان می‌دهد. نقش خاص قرآن در اندیشه دینی متفکران مسلمان در حوزه‌های مختلف را به اهتمام به مفاهیم قرآنی کشانده و طبیعتاً اندیشه‌های قرآن‌گرایان همان‌گونه که می‌توانند از آرای مذهبی و فکری ایشان متأثر باشند، در مبانی و

اندیشه‌های مذهبی و فکری دیگر جریان‌ها نیز قابل تأثیر هستند. امروزه جریان تفسیری قرآن‌گرا به توضیحی که در فصل آینده می‌آید، داعیه سررشته‌داری در بسیاری از مسائل حوزه‌های کلامی، فقهی، ادبی و... داشته و آثاری را در این حوزه‌ها با رویکرد قرآن‌گرایانه عرضه کرده است. طبعاً میزان توفیق این آثار در برنمودن اندیشه‌های ناب و استوار قرآنی درخور بررسی دیده می‌شود.

### ۱-۳. روش تفسیر اجتهادی به‌مثابه روش معیار

بررسی جریان تفسیر قرآن‌گرا همچون دیگر جریان‌های تفسیری نیازمند معیاری پذیرفته است که در واقع روش معیار به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد بتوان از روش تفسیر اجتهادی به‌عنوان روش معیار سخن گفت. از این‌رو، لازم است درباره این روش توضیحی داده شود.

«اجتهاد» از ماده لغوی جهد به معنای کوشش و تلاش توان‌گیر و طاقت‌فرساست.<sup>۱</sup> اما در اصطلاح فقهی به «تلاش و صرف توان ممکن برای دستیابی به ظن یا حجت بر حکم شرعی» تعریف شده است،<sup>۲</sup> که البته ضوابط و شرط‌های آن در دانش اصول فقه متناسب با مبانی فریقین مقرر شده‌اند.

در نگاهی به مذاهب اصولی فقهی، در می‌یابیم که در عرف فقیهان متقدم اهل سنت، اجتهاد به معنای تکیه بر «رأی» و نظر به جای «روایت» و نقل در کشف حکم شرعی در مسائل فاقد نص شرعی آمده و پیرو آن در پیوند با ابزارها و منابعی چون قیاس، استحسان، مصالح مرسله و... ذکر شده است.<sup>۳</sup> این معنا از اجتهاد که با رأی‌گروی منهای نص شرعی همراه بوده و به روش‌های قیاسی و استحسانی متکی است، همواره با انتقاد عالمان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و

۱. ر.ک: ابن‌اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۳۱۸؛ برخی میان واژه جهد به فتح یا ضم جیم تفکیک کرده و جهد را به معنای وسع و طاقت و توان و جهد را به معنای مشقت دانسته‌اند. به نظر می‌رسد این دو معنا اصولاً ملازم هم بوده و در صرف همه توان در طلب چیزی معمولاً مشقت و دشواری هم هست؛ چه اینکه هر دو معنا در بیان برخی لغویان و دانشمندان برای این واژه گزارش شده است. ر.ک: تهانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۱۰۱؛ غزالی، المستصفی، ج ۲، ص ۳۵۰؛ ابراهیم انیس و... المعجم الوسیط، ص ۱۴۲؛ در قرآن کریم نیز واژه جهد لزوماً به معنای مشقت بدون صرف طاقت و توان نیست: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ...» (فاطر، ۴۲) نیز ر.ک: معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. تعریف‌های مشهور از اجتهاد بدین قرارند: «استفراغ الوسع لتحصيل الظن بالحکم الشرعی» یا «بذل الجهد فی استخراج الاحکام الشرعیة» یا «استفراغ الوسع فی تحصيل الحجة علی الحکم الشرعی» (ر.ک: محقق حلی، معارج الاصول، ص ۱۷۹؛ خراسانی، کفایة الاصول، ص ۴۶۳-۴۶۴؛ ابراهیم انیس و... همان‌جا).

۳. ر.ک: شافعی، الرسالة، ص ۴۷۷؛ نیز: صدر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى، ص ۴۳.



بسیاری از محققان مذاهب فقهی اهل سنت مواجه بوده و دو طیف اصولیان و اخباریان شیعی آن را باطل شمرده‌اند.<sup>۱</sup> اما معنایی دیگر از اجتهاد را می‌توان در میان طیف غالبی از اصولیان شیعه سراغ گرفت. با توسعه دانش فقه و اصول در حوزه شیعی به‌ویژه در روزگار غیبت امام معصوم و فقدان نصوص روایی متناسب با حجم نیازها و مسائل شرعی، به تدریج ضرورت نگرش اجتهادی برای کشف احکام دین احساس شد و اجتهاد با تعریفی متفاوت از اجتهاد به رأی با تلقی سنتی، در ادبیات عالمان شیعه شهرت یافت و در تعریف آن، برای مثال چنین گفته شد: «الاجتهاد بذل الجهد فی استخراج الاحکام الشرعية».<sup>۲</sup> این تعریف به‌رغم تشابه و اشتراک با تعریف اصولیان سنتی، به روش خاصی معطوف است که رأی و اجتهادی را در طول دلالت نصوص مطرح ساخته و نصوص را به‌مثابه اصولی کلی و قابل تحلیل و تفریع به مسائل و فروع جزئی می‌بیند که در پرتو آن می‌توان به مدد اصول عقلانی و اعتبارات نظری، به حجت‌های الهی در احکام شرعی راه یافت که هرچند بسیاری از آنها از سنخ ظنون هستند، اما ظنونی معتبر و قابل استناد به شرع‌اند. در همین راستا تعریف‌های دیگر اصولیان شیعه را می‌توان مورد توجه قرار داد که با تأکید بر قید تحصیل ظن یا حجت بر حکم شرعی پیشتر گذشت.<sup>۳</sup>

حال به دلیل مشابهت حوزه تفسیر قرآن با حوزه فقه که هر دو به نوعی در جستجوی معانی و مقاصد الهی هستند، می‌توان همگون با حوزه فقه در حوزه تفسیر نیز از اصطلاح اجتهاد سراغ گرفت. چه اینکه هم‌پای فقه احکام شرعی، حوزه تفسیر نیز در میان فریقین سرگذشت مشابهی داشته و دو رویکرد رأی‌گرا و روایت‌گرا و پیرو آنها، دو رویکرد ظاهری و اجتهادی در این حوزه قابل دنبال کردن‌اند. اینک پرسش این است که روش اجتهادی در حوزه تفسیر چگونه تعریف می‌شود؟

در ادبیات نویسندگان اهل سنت، گویا عنوان «تفسیر به رأی» بر همان عنوان تفسیر اجتهادی قابل انطباق بوده و تقسیم «تفسیر به رأی» به دو نوع ممدوح و مذموم در همین راستا صورت گرفته است. ذهبی تصریح می‌کند که مراد از رأی در اینجا همان اجتهاد است و تفسیر به رأی،

۱. ر.ک: سیدمرتضی، الذریعه، ج ۲، ص ۶۳۶ و ۶۴۶؛ طوسی، عدة الاصول، ج ۱، ص ۳۹؛ ابن‌ادریس، السرائر، ج ۲، ص ۱۷۰؛ استرآبادی، الفوائد المدنیه، ص ۹۰-۱۲۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۵؛ گفتنی است که مفهوم اجتهاد در تاریخ اندیشه اسلامی با تطور و تحول معنایی مواجه بوده است. در این‌باره ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۵-۱۰۸؛ رحیمی، «تطور اجتهاد»، دو فصلنامه علمی تخصصی علامه، س ۱۰، ش ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش. ۲. محقق حلی، معارج الاصول، ص ۱۷۹.

۳. در این‌باره ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ علی‌پور و حسینی، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ص ۵۵-۶۲.

یعنی تفسیر اجتهادی قرآن پس از آگاهی از زبان عربی و جوانب لغوی و دلالتی آن و عموم ابزارهای لازم همچون اسباب نزول و شناخت ناسخ و منسوخ و نیز با موافقت کتاب و سنت و مراعات دیگر شرط‌های تفسیر.<sup>۱</sup> تفسیر به رأی ممدوح در این دیدگاه همان تفسیر اجتهادی با مراعات شرایط یادشده است. در برابر تفسیر به رأی مذموم که تفسیر بدون مراعات قوانین عربی و ادله شرعی و دیگر شرایط تفسیر است.

استاد معرفت به درستی از این اصطلاح تفسیر اجتهادی انتقاد می‌کند و می‌نویسد: تفسیر به رأی به معنای اجتهاد در برابر تفسیر مأثور نیست، بلکه روشی نکوهیده است.<sup>۲</sup> این نکوهیدگی در واقع ریشه در متونی دارد که مفهوم «رأی» را در حوزه معرفت دینی و به‌طور خاص حوزه احکام شرعی و نیز تفسیر به رأی را در حوزه تفسیر قرآن نکوهش می‌کنند.<sup>۳</sup> بر این اساس، اصطلاح تفسیر اجتهادی از تفسیر به رأی متمایز بوده و تعریفی دیگر می‌طلبد.

در حوزه شیعی، استاد معرفت در مقام تقسیم مناہج تفسیری از دو منهج نقلی و اجتهادی یاد نموده و تفسیر اجتهادی را به معنای تفسیری که بیشتر بر درایت و عقل متکی است تا روایت و نقل، تعریف کرده است؛ روشی که پیشینه تاریخی آن به برخی تابعان باز می‌گردد که باب اجتهاد و اظهار نظر در تفسیر را گشوده و به نقد و بررسی آثار منقول پرداخته‌اند.<sup>۴</sup> طبعاً در این تعریف، اجتهاد در برابر تکیه بر صرفاً نقل و روایت آمده و در بیان شاخه‌های تفسیر اجتهادی نیز متناسب با تخصص و رشته علمی مفسر از شاخه‌های ادبی و لغوی، کلامی و فلسفی و عرفانی، اجتماعی، علمی و جامع یاد شده است.<sup>۵</sup> ضمن آنکه از واژه «اجتهاد» در این تعریف، همان معنای لغوی آن اراده شده است.

به نظر می‌رسد این تعریف از تفسیر اجتهادی ابهام داشته و نسبت به منابع تفسیری در تفسیر اجتهادی جامع، وضوح ندارد. برخی شاخه‌های تفسیر اجتهادی در این دیدگاه همچون شاخه ادبی لغوی، براساس تعریف گذشته بر نقل تکیه بیشتری دارند تا عقل و درایت؛ هرچند مفسر ادبی بر پایه نکات و منابع نقلی در کتاب‌های لغت و ادبیات، بیشتر نیازمند تحلیل لغوی ادبی

۱. ر.ک: ذہبی، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۸۱-۸۲.

۳. در این باره ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۷۵-۸۷؛ بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن،

ص ۵۶-۵۸.

۴. ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۴۹.

۵. همان، ص ۳۵۳.

آیات نیز هست؛ چنان‌که در تفسیر روایی نیز منبع روایی در واقع مفسر را به فهم و تحلیل آیات بر پایه مفاد روایات می‌رساند. همچنین بر تنوع تفسیرهای روایی و نقلی نیز در این تعریف توجه نشده است. برخی تفسیرهای روایی تنها نقل روایات تفسیری هستند، نه تفسیر قرآن براساس روایات؛ برخی دیگر نیز افزون بر روایات، مشتمل بر نگاه اجتهادی و تحلیلی اولاً به خود روایات و ثانیاً به آیات در ضمن روایات هستند.

در تعریف و تحلیل دیگری از تفسیر اجتهادی که از سوی برخی قرآن‌پژوهان شیعی معاصر ارائه شده، بیان نسبتاً متفاوت و دقیق‌تری را می‌بینیم. استاد عمید زنجانی بر همین اساس تفسیر اجتهادی را حد وسط میان دو نوع تفسیر دیگر، یعنی تفسیر به رأی و تفسیر نقلی دانسته و تصریح کرده است که این روش از اعتماد به تدبر و عقل، توأم با تقید به روایات تفسیری، استفاده می‌کند و در کنار سنت و روایات، به‌عنوان یکی از ارکان ضروری تفسیر، شرایط و مقدمات دیگری را نیز لازم می‌داند.<sup>۱</sup>

برخی دیگر از محققان نیز با تکیه بر مفهومی از اجتهاد که با تفکر اصولی مکتب شیعه همخوان است، همسو با تعریف گذشته چنین نوشته‌اند: «اجتهاد در تفسیر تلاش برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات براساس شواهد و قرائن معتبر است».<sup>۲</sup> بر پایه بیان اخیر، اجتهاد تفسیری شامل طیفی از روش‌های رایج تفسیری با تفاوت مراتب و درجات خواهد بود. این تعریف هرچند در نظام فکری نویسنده بوده و متکی به مبانی وی قابل توجیه است، اما فارغ از آن، به جهت نامعین بودن شواهد و قرائن معتبر در این تعریف، کلی و مبهم به نظر می‌رسد که پیروان هر روش و گرایش تفسیری می‌توانند آن را بر روش و گرایش خود تطبیق دهند؛ تا آنجا که حتی تفسیرهای روایی را که به لحاظ مبنای خاص تفسیری تنها به ظاهر روایات به‌عنوان منبع درست تفسیر تکیه دارند، شامل می‌شود.

به نظر می‌رسد آنچه تا حدودی به تبیین این تعریف در مباحث روش‌شناسی تفسیر کمک می‌کند، ارتباط آن با مفهوم اصطلاحی اجتهاد در تطور تاریخی آن در نزاع اخباریان و اصولیان است. چنان‌که گذشت، در عرف و اصطلاح فقیهان، روش اجتهادی در فقه احکام شرعی به لحاظ تاریخی در برابر روش روایت‌گرایان و اخباریان قرار گرفته است. اخباریان به روش‌ها و

۱. ر. ک: عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۲. بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۸.

قواعد اصولی و عقلانی غیرمنصوص در استنباط احکام از کتاب و سنت، التزام نداشته و تحلیل ظاهری روایات فقهی را ملاک و معیار اصلی در کشف احکام تلقی کرده‌اند. آنان ظواهر قرآن را منهای دلالت روایی، منبعی معتبر برای استنباط احکام ندانسته‌اند.<sup>۱</sup> در مقابل، فقیهان اصولی که اجتهاد را به معنای کوشش در حد توان برای به دست آوردن احکام شرعی به‌گونه‌ای تفصیلی از منابع و ادله معتبر آن (اعم از کتاب، سنت، اجماع و عقل) تعریف کرده‌اند.<sup>۲</sup> از این منظر در تعریف تفسیر اجتهادی نیز منابع و ادله معتبر در کشف معانی و مقاصد آیات، فراتر از ظواهر و نصوص روایی بوده و گستره وسیعی از ادله و شواهد نقلی و عقلی را متناسب با مفاد آیات دربر خواهد گرفت. از این زاویه، می‌توان تعریف تفسیر اجتهادی را بر پایه تعریفی عام از اجتهاد در روش و ابزارهای معرفت دینی دنبال کرد. مؤلفه‌های عام اجتهاد را می‌توان در دو حوزه متعلق (قلمرو) و روش چنین برشمرد: در حوزه متعلق اجتهاد و قلمرو آن، طیفی از ادله و شواهد نقلی و عقلی قابل توجه‌اند. در حوزه روش اجتهادی نیز به جای استناد سطحی و تعبدی به ادله و شواهد مزبور، تحلیل و بررسی سندی و دلالتی شواهد نقلی از یک‌سو، تحقیق و بررسی دیگر شواهد، از سوی دیگر، دنبال می‌شود.

بر این اساس می‌توان گفت: «روش تفسیر اجتهادی روشی تفسیری است که برای فهم و تبیین معانی آیات، گستره وسیعی از منابع، ادله و شواهد معتبر نقلی و عقلی را با نگاه تحلیلی متناسب با مفاد آیات در حد توان انسانی به مدد می‌گیرد». نگاه تحلیلی در این تعریف، ناظر به استناد همراه با تحلیل و تحقیق و بررسی شواهد و قرائن در ارتباط با آیات است.

حال روش اجتهادی گاه با رویکردی جامع در تفسیر مورد توجه قرار می‌گیرد و به همه ادله و شواهد تفسیری که در کشف معانی قرآن مؤثرند و نیز همه رویکردها و گرایش‌ها که افق‌های معنایی مختلف قرآنی را نشان می‌دهند، نظر دارد و گاه با رویکردی معطوف به روش و گرایش خاص تفسیری صورت می‌گیرد. از این منظر می‌توان شاخه‌ای از تفسیر اجتهادی را تفسیر اجتهادی قرآن‌گرا یا قرآنی دانست که در تلاش است تا با جستجوی آیات مرتبط به لحاظ لفظی و معنایی و کشف شبکه معنایی و نظام دلالتی قابل استناد به ظاهر قرآن، به تفسیر آیات بپردازد و در واقع، در راستای نظریه‌پردازی در مفاهیم قرآنی با محوریت قرآن گام بردارد؛ روشی که

۱. برای مثال، ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۵؛ نیز در این باره ر.ک: بهشتی، اخباریگری تاریخ و عقاید، ص ۲۸-۳۱.  
 ۲. ر.ک: خراسانی، کفایة الاصول، ص ۴۶۴.

الگوی موفق آن را دست‌کم در بخشی از تفسیر المیزان شاهد هستیم.<sup>۱</sup> روشن است که نظریه‌پردازی با محوریت قرآن از نگاه سطحی به رابطه لفظی و دلالی آیات با یکدیگر و فهم آنها در پرتو یکدیگر متفاوت است که در مباحث آینده در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت. این شاخه در کلیت خود می‌تواند مدل معیاری در نقد و بررسی شاخه‌های فرعی جریان قرآن‌گرا در تفسیر تلقی شود؛ گو اینکه این مدل تفسیری با مدل جامع اجتهادی تفاوت دارد.

#### ۱-۴. روش تفسیر اجتهادی قرآن‌گرا و اصول آن

اساساً در مقوله نقد و بررسی یک جریان تفسیری، آنچه مورد انتظار است، تحلیل درست و ضابطه‌مند از این جریان و بازیابی موارد قوت و ضعف آن است. در این میان، افزون بر شناخت و تحلیل ضابطه‌مند جریان، آنچه در نگاه انتقادی اهمیت دارد، تکیه بر اصول قابل دفاع در حوزه تفسیر قرآن است. بی‌شک، در هر نظریه تفسیری مدافعان آن به اصول خاصی پای‌بندند که ممکن است با اصول نظریات دیگر متفاوت باشد. این اصول نیز خود دو دسته‌اند: دسته اول اصول کلی تفسیر و دسته دوم اصول خاص یک جریان تفسیری؛ مانند قرآن‌گرایی و قرآن‌بسنده‌گی. طبعاً قرآن‌گرایان ممکن است از اصول کلی تفسیر نیز قرائت و برداشتی خاص و متفاوت از دیگر جریان‌های تفسیری داشته باشند. نقد و بررسی در واقع به آن دسته از اصول معطوف است که به آرای اندیشمندان این جریان اختصاص دارد؛ خواه در کلیت تفسیر، یا در خصوص تفسیر قرآن‌گرا.

به نظر می‌رسد بتوان با تکیه بر اصول روش اجتهادی در تفسیر قرآن کریم و براساس منطق قابل دفاع در فهم کلام الهی به نقد و بررسی جریان تفسیری قرآن‌گرا و شاخه‌های آن پرداخت.<sup>۲</sup> این نقد و بررسی نیز به دلیل تکیه بر منطق و روش تفسیر اجتهادی، در واقع با رویکردی توصیه‌ای برای رسیدن به تفسیر مطلوبی از قرآن همراه است. از این منظر، اصول کلی و عامی که در روش

---

۱. تفسیر المیزان در واقع به روش جامع اجتهادی با رویکردی قرآن‌گرایانه معطوف است که نشانه‌های روش اجتهادی قرآنی را نیز در بخش‌های قابل توجهی از آن می‌توان یافت. درباره تعریف تفسیر اجتهادی و تطبیق آن بر برخی تفسیرهای قرآن‌گرا از منظری نسبتاً متفاوت، ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۲۷ و ۱۳۲-۱۴۵.

۲. در این باره ر.ک: اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ج ۱، بخش اول؛ محمدباقر سعیدی روشن، منطق تفسیر قرآن.

تفسیر اجتهادی قابل دفاع‌اند و روش نقد و بررسی جریان‌های تفسیری و حل و فصل آسیب‌ها و موارد ضعف آنها به شمار می‌آیند، در سه حوزه نظری، عملی و غائی قابل توجه‌اند.<sup>۱</sup>

اما قرآن‌گروی به‌عنوان رویکردی ناظر به روش تفسیری، هرچند از منظر روش اجتهادی جامع با نقدهایی مواجه است، اما به نظر می‌رسد می‌توان رویکردی قابل دفاع از این روش با تکیه بر مبانی و اصول روش اجتهادی و با الهام از ادله استوار دینی و سیره پیشوایان و اندیشمندان دین جستجو کرد که الگو و معیاری برای بررسی دیگر رویکردها قرار گیرد. طبعاً آنچه در شمار اصول اجتهادی در کلیت تفسیر مطرح شده، در روش اجتهادی قرآن‌گرا نیز درخور توجه است؛ برای نمونه، اصل عمومیت خطاب قرآنی و اختصاص نیافتن آن به مخاطبان خاص، یا فهم‌پذیری و حجیت ظواهر قرآنی، یا مشکلات تکیه بر منابع دیگر از جمله حدیث، یا نقش آفرینی ادله و شواهد عقلی در اینجا نیز قابل توجه است. اما آنچه در اینجا اهمیت دارد، اشاره به اصول نظری و روشی خاصی است که در رویکرد قرآن‌گروی در تمایز با دیگر رویکردها به آنها نیازمندیم. مهم‌ترین این اصول در دو دسته اصول نظری و عملی به شرح ذیل قابل توجه‌اند:

### الف) اصول نظری

مراد از اصول نظری در اینجا مبانی و زیرساخت‌های فکری خاصی است که فراتر از مبانی تفسیر جامع اجتهادی، روش تفسیر اجتهادی قرآن‌گرا بر آنها متکی است. این اصول از سنخ هست‌ها و نیست‌های معرفتی و قرآن‌شناختی بوده و متناسب با آنها می‌توان اصول روشی و باید‌ها و نبایدهایی را نیز به‌عنوان اصول عملی تعریف کرد.

اصول نظری تفسیر اجتهادی قرآنی از این قرار است:

#### ۱-۴-۱. قلمرو خاص تفسیر نسبت به دیگر دانش‌های دینی قرآنی

از تفسیر قرآن در میان عالمان قرآن‌پژوه تعریف‌های متنوعی دیده می‌شود که فارغ از برخی اختلاف‌های سلیقه‌ای و ادبی، تنوع این تعریف‌ها، از دیدگاه‌های متفاوت آنان نسبت به قلمرو

---

۱. این ساختار درباره اصول نظری و مبانی تفسیر اجتهادی پیش از این به صورت منسجم تدوین نشده است. اما برای مطالعه این اصول در ساختارهای دیگر و با رویکردی متفاوت ر.ک: اسعدی و همکاران، همان‌جا؛ بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، فصل سوم؛ شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری؛ صفوی، بازخوانی مبانی تفسیر قرآن، بخش دوم و سوم؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۱، بخش اول.